



معاد؛ آغاز یا پایان / مصطفی احمدی

اهمیت معاد در ساختار ایمانی

خداوند متعال سرشت انسان را به گونه‌ای رقم زده است که از نیستی و نابودی تنفر دارد و همواره میل به بقا و جاودانگی در او موج می‌زند. اهمیت معاد در منظومه فکری مسلمان آنجا نمود پیدا می‌کند که مرگ را پایان کار ندانسته و بر این باور است که با کلید خوردن معاد زندگی مطلوب وی رقم خواهد خورد. آری معاد آن عطش جاودانگی را به حقیقت تبدیل نموده و انسان را از نیستی می‌رهاند. مؤمن نه تنها معاد را نابودی نمی‌داند، بلکه ایمان به جهان آخرت را رمز بالندگی خود می‌داند.

طبق ایدئولوژی اسلامی مسئله معاد علاوه بر عقلانی بودن، فطری نیز می‌باشد. به راستی اگر رستاخیز فطری نیست، چرا این عقیده در طول تاریخ از انسان‌ها جدا نشده است؟ عادات و رسوم دائماً در حال تغییر هستند، فرهنگ‌ها عموماً دستخوش دگرگونی هستند. تنها اموری می‌تواند در طول تاریخ بشر، در برابر گذشت زمان پایدار بماند که ریشه‌هایی در اعماق فطرت داشته باشند. از این جهت فطرت سالم هر انسان باور به معاد را در خود احساس می‌کند.

ضرورت عقلی معاد

اگر بخواهیم با دید عقلانی به مسئله قیامت بنگریم، دلایل مختلفی وجود دارد؛ یکی از دلایل مهم به شرح زیر است:

دلیل عدالت: شرایط حاکم بر جوامع بشری، این را می‌طلبند که در پی دنیا، آخرتی وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت، تاریخ بی‌معنا خواهد شد. به تصریح آیات و احادیث آفریش جهان هستی بر پایه حق و عدالت بنا شده است. عدل خداوندی ایجاب می‌کند تا در پی جهان طبیعت، نظامی عادلانه وجود داشته باشد تا در آن حق ستم‌دیدگان از گردنکشان گرفته و فاسدان به پاداش کردار تباهشان برسند. چرا که اگر قیامت متحقق نشود، و داوری میان مردم برگزار نگردد، بدکاران به کیفر کردار ناشایست خود نخواهند رسید و مؤمنان نیز به پاداش اعمال خود نائل نخواهند شد. در چنین شرایطی میان ظلم و عدل، ظالم و عادل برابری برقرار می‌شود که این برابری ناموزون هرگز با عدل الهی سازگار نیست. آیا دنیا به این جهت آفریده شده که فیلمی وحشتناک

از این همه شیطنت، شرارت، درندگی و ظلم و ستم، برای یک بار به نمایش گذاشته شود و پس از آن کسی نه سراغ ظالم برود و نه خبری از مظلوم بگیرد؟! این رویدادها نشان دهنده نقص دنیا و دلیلی روشن بر ضرورت فرا رسیدن روزگاری است که دنیا در آن به تکامل برسد. آری زمان به تکامل رسیدن دنیا همان جهان آخرت است.

نقش باور به معاد در کنترل اخلاق و رفتار

از گذشته این پرسش برای بشر مطرح بوده است که چگونه می‌توان مردم را در مسیر صداقت و حق قرار داد؟ با نگاهی به لا به لای صفحات تاریخ مشاهده می‌کنیم پادشاهان و حاکمان همواره با تدوین و اعمال قوانین سعی بر تحقق این هدف داشته‌اند. اما با این حال می‌بینیم که بسیاری از مجرمان با وجود قوانین شدید در برخی کشورها همچنان از تبهکاری دست بر نمی‌دارند و هیچ چیز آنان را از جنایت باز نمی‌دارد؛ اگر بگوییم قانون، افراد بسیاری به راحتی آن را زیر پا می‌گذارند؛ اگر بگوییم شرم اجتماعی، آن شخص می‌تواند کار خود را به خوبی توجیه کند؛ اگر بگوییم ارزش‌های اخلاقی مانع وی می‌شود، سوال این است: کدام ارزش؟ مبنای ارزش گذاری وی چیست؟ به این ترتیب افراد بی‌پروا تمام راه‌های نفوذ را بسته و به جرم و جنایت خود ادامه می‌دهند. بدین خاطر فشارهای بیرونی راه به جایی نبرده و فقط نیروی درونی و ارادی می‌تواند از ارتکاب این گونه جرایم جلوگیری کند. و ایجاد انگیزه درونی صرفاً در باور به معاد ممکن است. این انگیزه از آن جهت در باور به معاد وجود دارد که هر شخص اجتناب از هر گونه ظلم و گناه را وظیفه خود می‌داند. ولتر Voltaire فیلسوف و نویسنده فرانسوی که خود اعتقادی به متافیزیک ندارد اما اهمیت اعتقاد به خدا و آخرت را از این جهت که زیربنای اخلاقیات می‌باشد، درک می‌کند. او بر این باور است که فقط اعتقاد به خدا و آخرت می‌تواند فضای اخلاقی مناسبی ایجاد کند. با وجود این همه دلایل - که ما به منظور اختصار بسیاری از آن‌ها را بیان نکردیم - پذیرفتن معاد چیزی جز استکبار و عناد نیست.

منابع:

۱- الإسلام يتحدی؛ وحید الدین خان

۲- معاد؛ محمد حسن قدردان قراملکی

هم کمک می کنند

بسیاری از حاجیان، پیش از حج و پس از آن نیز اهل زکات، صدقات، انفاق و حمایت از نیازمندان هستند.

کسی که خود را مأمور اجرای فرامین الهی می داند، هم حج را انجام می دهد و هم از مستمندان غافل نمی شود.

در حقیقت، همان کسانی که پای در عرفات و منی می گذارند، بیشتر اهل اطعام، کفالت ایتام و پرداخت زکات هم هستند؛ چرا که باور به آخرت و تقید به شریعت، او را نسبت به مسئولیت های اجتماعی نیز بیدار می کند.

۵. بسیاری از شبهه افکنان، خود اهل انفاق نیستند

نکته جالب این است که بسیاری از افرادی که چنین شبهه هایی مطرح می کنند، نه اهل حج اند، نه اهل زکات و صدقه.

همین افراد ممکن است سالانه چندین سفر تفریحی داخلی و خارجی داشته باشند، میلیون ها تومان صرف دکوراسیون، اتومبیل های لوکس، تجملات و مهمانی های آن چنانی کنند، اما هیچ گاه از خود نمی پرسند: چرا پول این سفرها یا این تجملات را خرج فقرا نکنم؟ پس این شبهه ها، در بسیاری موارد، از سر دلسوزی برای محرومان نیست، بلکه تلاشی است برای تضعیف شعائر دین.

۶. پول حج به جامعه باز می گردد، نه آن گونه که می پندارند هدر می رود

برخلاف تصور رایج، هزینه های حج به طور مستقیم یا غیرمستقیم وارد چرخه اقتصاد کشورهای اسلامی می شود.

حج باعث اشتغال هزاران نفر در بخش های مختلف حمل و نقل، تغذیه، خدمات، لباس، کتاب، آموزش و گردشگری می شود. در کشورهای مختلف از جمله خود عربستان، بخش مهمی از اقتصاد بومی به حج وابسته است که بسیاری از مردم محروم از سراسر دنیا از آن ارتزاق می کنند.

باید به یاد داشته باشیم که دین با عقل و فطرت انسان سازگار است، اما مبتنی بر وحی الهی است. در شریعت اسلامی، فریضه، فریضه است و جایگزین ندارد؛ همان طور که صدقه، صدقه است و پاداش دارد، اما جای فریضه را نمی گیرد. مسلمان هر حکم خدا را در جای خودش انجام می دهد و در این هدف تحت تاثیر فضای رسانه و ملامت ملامتگران قرار نمی گیرد.

هر ساله در ایام حج، این پرسش در فضای مجازی و حتی در بین مردم، به ویژه جوانان و کسانی که آگاهی عمیق دینی ندارند، مطرح می شود: «چرا به جای رفتن به حج، پول آن را صرف کمک به فقرا نمی کنیم؟»

در پاسخ به این پرسش، باید به چند نکته ی اساسی توجه کرد:

۱. حج، یک فریضه الهی و رکن دین است، نه یک انتخاب شخصی

حج، مانند نماز، روزه و زکات، یکی از پنج رکن اصلی اسلام است. خداوند متعال در قرآن می فرماید: «وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا» (سوره آل عمران، آیه ۹۷) «و بر مردم است که - اگر توانایی دارند - برای خدا به حج خانه (کعبه) بروند.»

بنابراین، حج تنها یک سفر زیارتی یا معنوی نیست که قابل جایگزینی با کارهای خیر دیگر باشد، بلکه وظیفه ای است الهی که بر هر مسلمان مستطیع (توانمند) واجب شده است. این فریضه فقط یک بار در عمر بر انسان واجب می شود و سخن ما هم در مورد همین حج برای بار اول است.

۲. حج فقط عبادت نیست؛ بلکه پیام سیاسی و اجتماعی بزرگی دارد

حج، نماد وحدت، برابری، عبودیت، و نمایش عظیم امت اسلامی است. وقتی میلیون ها مسلمان از سراسر جهان با یک لباس (احرام) و یک ذکر (تلبیه) گرد خانه خدا می گردند، این اجتماع عظیم پیامی است علیه تبعیض، نژادپرستی، قوم گرایی و خودمحوری انسان ها. حج تمرین خضوع، نظم، برادری و احساس تعلق به امت واحد است.

۳. انفاق به فقرا جای خود را دارد؛ نه جای فریضه را می گیرد و نه جایگزین آن می شود

کمک به نیازمندان عملی بسیار ارزشمند است، اما نمی توان با عمل مستحب، واجب را ترک کرد. همان گونه که نمی توان گفت «به جای نماز، زباله از خیابان جمع می کنم» یا «به جای روزه گرفتن، به دیگران غذا می دهم»، نمی توان گفت: «به جای حج رفتن، به فقرا کمک می کنم».

هر کدام از عبادات جایگاه و ثمرات خاص خود را دارند که دیگری جای آن را نمی گیرد.

۴. کسانی که به حج می روند، معمولاً همان کسانی هستند که به فقرا

زندگی بدون خدا و ایمان؛ خوشبختی یا پریشانی؟ / دانیال یوسفی

و شقاوت برای خودش بگردد یا به بدبختی و بیچارگی خویش رضایت بدهد؟

خوشبختی کجاست؟

این سوالی است که مردم از زمان های قدیم در پاسخ سرگردان مانده اند. خوشبختی و آرامش کجاست؟ بیشتر انسان ها در جاهایی دنبال خوشبختی گشته اند که اصلاً جای آن نبوده و نیست و خسته و دست خالی، دل شکسته و ناامید بازگشته اند! آری انسان ها انواع و اقسام بهره وری ها و برخورداری های مادی و شکل های گوناگون شهوات را در زمان های مختلف تجربه کرده اند ولی هرگز چیزی را که به تنهایی خوشبختی آفرین باشد، نیافتند. چه

انسان ها در ادوار مختلف زندگی شان، اهداف و آرزوهایی دارند و به دنبال آن در تلاش هستند. تفاوتی هم میان خدا باور و خدا ناباور در این باره نیست و هر کدام به دنبال کعبه آمال خود می کوشند.

خوشبختی و سعادت و داشتن یک زندگی شاد، بدون دغدغه و استرس در واقع همان بهشت رویایی است که همه انسان ها در جستجوی آنند. از آن فیلسوف گرفته در اوج تفکرات و تخیلاتش تا آن فرد ساده لوح عامی در عین سادگی و بی آلاچی اش از پادشاه گرفته در کاخ سربه فلک کشیده اش تا آن درویش در کلبه کوچکش.

آیا تاکنون کسی را دیده اید که به دنبال بدبختی

چنین مؤمنی، با هیچ طوفانی متزلزل نمی‌شود، چون ایمان در قلبش همچون کوهی استوار است. قرآن، مؤمن را از مسلمان جدا می‌سازد و از ما می‌خواهد که ایمان‌مان را همواره تازه کنیم: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا**. ایمان چیزی نیست که فقط با دانستن به دست آید؛ بلکه باید در دل ریشه بدواند، در عمل دیده شود، و در لحظات بحران، آرامش و اطمینان به دل ببخشد. مؤمنی که ایمانش به این حد برسد، هنگام شنیدن هر شبهه‌ای، همانند صدیق عمل می‌کند.

اصل دوم: شناخت ماهیت شبهه

هر زمان که شبهه‌ای به گوشت می‌رسد، بی‌درنگ باور داشته باش که دین اسلام و آموزه‌های آن حق است، و شبهه از دو حال خالی نیست.

حالت اول: کلامی به ظاهر زیبا اما فریب‌دهنده که یک شیطان آن را سرهم کرده تا سرمایه‌ی مؤمن را بدزدد، حال کسی که شبهه را نقل می‌کند این را بداند یا نه تفاوتی نمی‌کند. شبهه هرچقدر هم ظاهری فریبنده داشته باشد، چیزی فراتر از یک دروغ نیست که شیاطین به ذهن دوستانشان القا می‌کنند تا با مؤمنین جدال کنند: **وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً**. گاهی هم شبهه به دلیل نقص در شناخت حقیقت، به نظر متضاد با آن می‌آید، ولی با اندکی تأمل، روشن می‌شود که آنچه به نظر ناسازگار آمده، در حقیقت مغایر با حق نیست.

اصل سوم: هدایت دل، هدف غایی مؤمن

وقتی مؤمن، در مواجهه با شبهه، اصول پیشین را حفظ کرده، حال یا پاسخ آن را می‌داند یا نمی‌داند. اما در هر دو حالت، باید اصل سوم را فراموش نکند: هدف، رسیدن به هدایت قلبی است که ثمره‌ی ثبات، رضا و یقین است، نه صرفاً دانستن جواب‌های منطقی و جدلی: **وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ**

اصل ثبات قلب و پایداری آن و یقینش در هنگام روبرویی با هر فتنه است: **يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا**. این احساسی که مؤمن پس از ایستادگی در برابر شک و وسوسه تجربه می‌کند، بهترین پاداش الهی‌ست؛ مانند طعمی شیرین یا بویی خوش که وصف‌ناپذیر است اما عمیقاً تجربه‌شدنی.

در پایان، سه گام برای رویارویی با شبهات ضروری‌اند:

۱. پناه بردن به قلعه‌ی ایمان
۲. شناخت ماهیت شبهه
۳. طلب هدایت قلبی از خداوند

نبرد میان حق و باطل، داستانی دیرینه دارد؛ داستانی که آغاز آن به همان لحظه‌ای بازمی‌گردد که خداوند انسان را آفرید و شیطان را به دلیل نافرمانی‌اش طرد و از درگاه رحمتش راند. این نزاع، بارها و بارها در طول تاریخ تکرار شده است. اگر بخواهیم تاریخ را از این موضوع پرشور و سرنوشت‌ساز تهی کنیم، چیزی جز فهرستی از تاریخ‌های تولد و وفات باقی نخواهد ماند.

این دشمن مکار، همانند آفتاب‌پرست، رنگ عوض می‌کند تا با محیط پیرامون خود سازگار شود؛ سپس چشمان زشت و بدترکیبش را می‌چرخاند و درحالی که در گوشه‌ای پنهان شده، به دنبال شکارهایی می‌گردد که از خطر در کمینشان غافل‌اند. گرچه ریشه‌های این نبرد جانکاه تغییر نکرده، ولی در هر دوره‌ای لباس تازه‌ای به تن کرده: گاهی در قالب نفاق، گاهی ارتداد، زمانی با نام روشنفکری یا اصلاح‌طلبی و زمانی دیگر با عنوان‌هایی چون تجدیدگرایی، فلسفه، سکولاریسم و هر گرایشی که با عقیده‌ی صحیح سر جنگ دارد. دوران ما نیز از این قاعده مستثنا نیست.

اکنون پاسخ‌گویی به شبهات، دفاع از اصول و ارزش‌ها و مقابله با موج الحاد و بی‌دینی در سرفصل وظایف اهل ایمان قرار گرفته است. هرگاه صحبت از این امر خطیر به میان می‌آید، معمولاً ذهن به سوی کسانی می‌رود که غرق در شبهات‌اند و به دنبال پاسخ می‌گردند. اغلب متولیان این حوزه تنها به سراغ کسانی می‌روند که گرفتار شبهات شده‌اند؛ مانند پزشکی که فقط به درمان بیماران می‌پردازد، اما کاری به پیشگیری و تقویت ایمنی افراد سالم ندارد.

به همین دلیل من تصمیم گرفتم تا به این جنبه که کمتر مورد توجه قرار گرفته و توجه شایانی به آن نشده بپردازم. حاصل بررسی مختصر من چند اصل شد که برگرفته از قرآن و سنت‌اند؛ اصولی که مؤمن را در برابر این امواج فکری حفظ می‌کنند و ایمان او را همانند جواهری ارزشمند، در صدفی محکم، محفوظ نگه می‌دارند.

اصل اول: پناه بردن به قلعه ایمان

هر مسلمانی باید عظمت ایمان و ارزش بی‌همتای آن را درک کند. باید ایمان را در وجودش همچون خون در رگ‌هایش حس کند، نسیم معطرش را در زندگی استشمام کند و خنکای آرامشش را در اعماق قلبش لمس نماید. در آن لحظه است که با تمام وجود زمزمه می‌کند: «خشنودم از اینکه خدا پروردگار من، محمد پیامبر من و اسلام دین من است.»

بسا در کنار هر برخورداری جدید، دچار دردسرهای تازه‌ای شده‌اند.

بنابراین، نه تنه‌ها خوشبختی و آرامش در خوش گذرانی‌های مادی و نه به داشتن خانمان و فرزندان بسیار و نه در علوم تجربی و نه در سود و دانش مادی است بلکه آرامش روانی و داشتن زندگی خوش فقط یک منبع دارد و دومی ندارد و این یگانه منبع آرامش و خوشبختی، ایمان به خدا و شروع زندگی خدا محورانه و ایمان به آخرت است، ایمانی صادقانه و عمیق که زنگار شک آن را تیره نساخته و از آفات نفاق نیز به دور باشد.

انسان با ایمان و خدا باور، درحقیقت این دنیا را قبل از آخرت برای خود بهشت می‌سازد. خوشبختی که بوی آن را یکی از بندگان مومن و صالح خدا در این دنیا قبل از آخرت احساس کرده و می‌گوید: براستی که ما در خوشبختی‌ای به سر می‌بریم که اگر پادشاهان از آن با خبر می‌شدند برای به دست آوردنش بر روی ما شمشیر می‌کشیدند. و انسان با ایمان دیگری که سرمست از آن لذت روحانی است و نشاط ایمان همه وجودش را فرا گرفته است می‌گوید: ساعات و اوقاتی بر من می‌گذرد که با خودم می‌گویم: اگر بهشتیان در اوضاع و احوالی که اینک من قرار دارم به سربرند، براستی که چه زندگی پاک و خوبی دارند!

مشخصات کتاب

نام کتاب: مرگ

سکولاریسم

نویسنده: محمد فرهادی

ناشر: احسان

تعداد صفحات: ۳۰۸



کتاب مرگ سکولاریسم با نگاهی فلسفی، جامعه‌شناختی و معرفت‌شناسانه، به تحلیل بحران‌های بنیادین سکولاریسم می‌پردازد.

نویسنده با تفکیک میان جهان سنت و جهان مدرن، تز اصلی خود را بر این پایه بنا می‌کند که سکولاریسم محصول اومانیسم و عقلانیت خودبنیاد غربی است که در نهایت به فروپاشی اخلاق، معنا، خانواده و کرامت انسان انجامیده است.

در فصل اول به کلیاتی از بینش سکولار پرداخته می‌شود: خاستگاه‌های آن در یونان و روم باستان، اومانیسم، دین‌گریزی، و ویژگی‌های معرفت‌شناختی مدرنیسم. وی تأکید می‌کند که سکولاریسم، به‌جای تبیین جهان، انسان را مرکز معنا قرار داده و این تغییر پارادایم، زوال معنویت را موجب شده است.

فصل دوم به اصول و اهداف سکولاریسم پرداخته می‌شود؛ از جمله ادعای بی‌طرفی، ستیز نکردن با دین، و تأکید بر پیشرفت. نویسنده با نقد این ادعاها، به ناکارآمدی این اصول در حفظ عدالت و کرامت انسان اشاره می‌کند.

در فصل سوم دیدگاه بسندگی علم (ساینسیسم) بررسی می‌شود. در این فصل نشان داده می‌شود که علم نمی‌تواند جایگزین دین شود و ارزش‌های بنیادین انسانی بدون مرجع متعالی فرو می‌پاشند.

فصل چهارم به نقد مبانی اخلاق سکولار اختصاص دارد. انواع نظریات اخلاقی سکولار بررسی و رد می‌شوند و نشان داده می‌شود که این نظریات یا نسبی‌اند یا فاقد ضمانت اجرایی‌اند.

در فصل پنجم نظریه اخلاق اسلامی مبتنی بر فرمان الهی معرفی می‌شود و برتری آن بر اخلاق سکولار تبیین می‌گردد.

در فصل ششم، با مروری بر فلسفه غرب و اندیشمندانی چون فوکو، هایدگر و نیچه، آشکار می‌شود که انسان مدرن از معنا تهی شده و تنها بازگشت به دین است که می‌تواند بشر را از ورطه پوچی نجات دهد.

این کتاب در مجموع تلاشی است برای تبیین «مرگ سکولاریسم» نه فقط به‌عنوان یک ساختار سیاسی، بلکه به‌مثابه یک پارادایم فکری و کلان‌روایتی که در حال فروپاشی است

مشخصات کتاب

نام کتاب: سیر تحلیلی

کلام اهل سنت (از حسن

بصری تا ابوالحسن

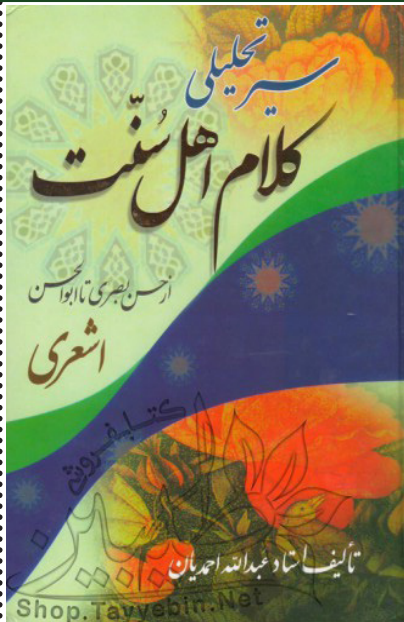
اشعری)

نویسنده: ملا عبدالله

احمدیان

ناشر: احسان

تعداد صفحات: ۶۷۴



این کتاب، اثری پژوهشی - تحلیلی درباره تطور تاریخی و فکری علم کلام

در میان اهل سنت است. مؤلف با دیدگاهی علمی و منسجم، سیر اندیشه‌های کلامی را از دوران حسن بصری تا زمان ابوالحسن اشعری و پس از آن بررسی می‌کند. حسن بصری به‌عنوان نخستین متکلم اهل سنت معرفی شده که در واکنش به بحران‌های اعتقادی و فرقه‌گرایی، حلقات تبیین عقاید را به روش استدلالی در مسجد بصره پایه‌گذاری کرد. در ادامه، کتاب به تکوین مکتب معتزله، اصول اندیشه‌ای آن و تأثیر آن در سطح اجتماع و حکومت می‌پردازد. خیزش اشعری از دل اعتزال، همراه با تحولات فکری او و طبقات مختلف اشاعره، با نگاهی تحلیلی و بدون تعصب روایت می‌شود. نگارنده سپس مباحث اعتقادی را در پرتو کلام دسته‌بندی کرده و به بررسی تحلیلی می‌پردازد.

نثر روان، استفاده از منابع و اصطلاحات کلاسیک و معاصر، توضیح اصطلاحات تخصصی، و رویکرد تحلیلی و علت‌محور از جمله ویژگی‌های برجسته این کتاب‌اند. نویسنده به‌جای گزارش صرف، در پی تحلیل ریشه‌ها، زمینه‌ها، و علل ظهور، گسترش یا افول مکاتب است.

مخاطبان اصلی کتاب شامل طلاب علوم حوزوی در رده‌های سطح و عالی، دانشجویان فلسفه و الهیات، و پژوهشگران علاقه‌مند به کلام اسلامی هستند.

این کتاب یکی از منابع فارسی کم‌نظیر در زمینه علم کلام به شمار می‌آید و می‌تواند در کنار آثاری هم‌راستا مانند شرح العقاید النسفیة اثر علامه تفتازانی یا علم کلام جدید اثر دیگر عبدالله احمدیان، مرجعی مهم برای فهم عمیق‌تر مباحث اعتقادی اهل سنت محسوب شود.

آشنایی با اهداف گاهنامه «باور ما»



جهت دانلود فایل صوتی مطالب «باور ما»
کد QR را اسکن کنید.

- * اهمیت ایمان به خداوند و قرآن؛
- * پاسخ به شبهات عقل‌گرایان و ملحدین؛
- * اثبات حجیت حدیث؛
- * شناخت خاورشناسان و اهدافشان؛
- * تاریخ طلایی اسلام و دانشمندان مسلمان؛
- * واکاوی تمدن غرب؛
- * تاریخ ایران قبل از اسلام و بعد از آن؛
- و

«باور ما» می‌خواهد با استنادات و ارجاعات علمی، به دور از هرگونه تعصب و با انگیزه‌ی پرده‌برداری از حقیقت و ازاله‌ی شبهه‌ی شبه‌افکنان، گامی مستحکم در راستای القای اعتماد به نفس قوی به نسل جدید، بردارد، باشد که جوانان مسلمان با در دست داشتن دلیل و برهان، نه تنها به اسلام خویش افتخار نمایند، بلکه به تبلیغ و انتشار آن مبادرت ورزند. برای رسیدن به این هدف بلند، هیئت تحریریه گاه نوشت «باور ما» مطالب خود را در موضوعات ذیل ارائه می‌کنند: